



هینوسز چیست؟

بقلم دکتر توماس گارت
امریکائی

ترجمه ع صدقی

معمول من گفت «اکنون که شفا یافته ام احساسات عجیبی بمن رخ میدهد باور نمیکنم که هینوسز مرا کمک کرده بتواند؛ برای این تردشما آمده ام که حیات مرا خوش بسازید. از وقتیکه چنین خلجان روح عارض شده ابدأ نمیخواهم در حالتی واقع باشم که دیگری پر از مین من تسلط داشته باشد.»

گوینده شخصی بود که او در حال لجه چانه اکر و فوبیا که نام علمی مرض (خوف از ارتفاعات) است نجات داده بودم در ابتدا دانستم که او مریض هینو فوبیا یعنی خوف از هینوسز نیز می باشد. عکس العمل هائیکه در مقابل صحبت های اول من کرده شرح نمیکنم، که بالاخره بعد از چه کوشش های زیاد بر او غلبه یافته بخوابش آوردم؟ باینهمه ازین چیزها با او هیچ سخن نگفتم. راستی اینکه از همچنین صحبت ها قصداً هم کناره می جویم و میترسم که مبادا در قوای من خلل کرده مقاومت شعوری او را بشکنند.

اکنون با وجود اینکه بعد از ده عمل بروی غالب شده هینو تائزش (بخوابش)

کردم، و در چند دقیقه از فویبای موحش رهائی دادم. اما در تعجب بودم که چرا نسبت به هینوتزم نفرت دارد. او از نفوذ قدرت من بر ضمیر خودش صراحتاً اشعار کرد؛ و از اینکه درین باره چه فکرها دارد مشوش گردیدم.

بهر حال بسوی او گشته گفتم: « راستی تو خیلی سودائی هستی »

در جواب گفت که « من هیچگاه در عمر خود ازین بیشتر سو دائی نشده ام »

ومی بینمی که فقط مختصری را جمع به هینوسز خوانده ام. »

« ترلیبی؟ » گویان فریاد کردم.

« نی گفته نمی توانم که از ان فائده زیادی گرفتم. گذشته از همه « دوهاربر »

هینوتست بوده و حقیقتاً در خصوص هینوسز چیزی نمی دانسته. و نه چیزی که

در خاطر دارم طریقه ضعیف « ترلیبی » است من راجع به بعض چیزهای دیگر که

هینوتست ها درباره هینوسز گفته اند فکر می کنم. »

« مثلاً؟ » *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

« خوبست برای مثال میگویم طریقه هینوسز هم توسط چوب (چوب دست) که

از طرف هینوتست ها اجرا می یابد آنقدر تاثیر دارد که او می تواند آن شخص را

در هر کجا و هر وقت (در آینده) که بخواهد بخواب آورد. طوریکه می بینیم این

نه تنها کنترل ضمیر شخص است بلکه کنترل کامله بروی است. »

جواب دادم: « اگر بنظر سطحی به بینیم آنچه شما گفتید صحیح می برآید

پوره نمی دانم که توجه مقصد داری، همه این چیزها را بدون برهان و دلیل قبول

کرده چونکه یک نفر هینوتست از تاثیرات و قدرت خود گفت که در هر کجا

و هر وقت (در آینده) او می تواند یک نفر را هینوتائز (زیر تاثیر) بکند، و او بدین

قسم می‌تواند بر ضمیر شخص نافذ باشد .

«تاما صحیح است . آیا چنین نیست ؟»

«خوب اما بیشتر عقیده شما در باب هینوتزم بسته به تصورات است .»

یعنی میخواهید بگوئید که عقاید بیشتری موجود است ؟

درین موقع لازم دیدم که مسئله
متنازع فیهای چندین ساله را
توضیح بکنم . در عصر «مسمر» که
قبل از وجود کلمه هینوتزم باشد
(چونکه این کلمه را دکتور
جینز برید از مردم ما نخست
از پاکستان وضع کرده) گمان کرده
میشد که فلزات در اثر تائیر کواکب
ضمیر انسان را از بی تاثیر می‌کند .



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
معمول در حالیکه خودش را هینوتائز میکند

دو پو سیکور (Du Puysegur) این نظریه را بواسطه توضیحات خود راجع به
سیر فی‌المنام) که بطریقه خودش شهرت دارد تغییر داد او مشاهده کرد که
هرگاه با شخص که در خواب راه میرود حرف زده شود در افکار وی تاثیر پیدا میکند
و او نیز ثابت کرد که نتیجه خواه خواب مصنوعی باشد و خواه طبیعی یکی است . بعبارت
دیگر دو پو سیکور بود که مسئله هینوتزم را عام ساخته گفت يك ضمیر قوی
قابلیت آن دارد که بر ضمیر ضعیفتر از خود نافذ شود .

تاکنون همین عقیده حتی در میان مردم هوشیار دیده میشود چنانچه در هر کجا
بشخص که بر میخوریم میگوید «من هیچ کس را نگذاشته‌ام که مرا هینوتائز بکند و قطعاً

می خواهم که کسی بر ضمیر من کنترل داشته باشد « یکی از کارهای بسیار مشکل هینوست کار آزموده اینست که در دماغ معمولش این نکته را جذب کند که همچو کنترل قطعاً موجود نمی شود اکثر مردم چون کتابهای « ترابی » رین فلوپ مار را که را جمع راسپوتین (Rasputin) است خوانده اند بنسایران بشنیدن دلیل چندان واقعی نمی گذارند .

بخاطر خواهید داشت که معمول من چیز های را که درباره سونگالی و ترابی خوانده بود معتقد شده و در حینیکه نشسته باوسحبت می کردم متعجب بودم که قصه های (اسقف دیوانه روسیه) چه افکاری را در دماغ او تولید کرده

بالاخره باو گفتم : واقعاً تو که بحکایات راسپوتین عقیده نداری همین طور نیست ؟ او گفت : نی ندارم من بر هر نظریه عجیب و غریبی که در بنخصوص میخوانم باور ندارم و از شما جدی می رسم که هینوس چیست و بیجیزی که بگوئی عقیده کامل میکنم زیرا تو باین عمل از بسیار وقت است که مشغولی به یقین دارم .
جواب دادم : بلی بیش از بیست سالست .

« خوب شخصی که از بسیار مدت کار برآ بکند طبعاً میداند که چیست اکنون بفرمائید شما درین قدر مدتی که مشغولید درین باب از تجربی های خود چه حاصل کردید ؟ »

درین موقع با شخص از آن چیزهاییکه درباره طبیعت هینوس کشف کرده بودم گفتم وقتی بود که من نیز بهمان عقیده بودم یعنی هینوس را قوه میدانستم که ضمیر قوی بر ضمیر ضعیف بآن واسطه نفوذ حاصل بکند علاوه بر آن گمان می کردم که هرگاه يك شخص هینو تائز کرده شود همیشه هر چیز بکه عامل بخوهد اطاعت میکند حتی این حادثه بدون استعمال « چوب خواب آور » هم کرده می شود .

و همچنان چندین عقیده دیگر داشتیم و همینکه دانستم حقیقت هینوئزم چیست آن عقاید تماماً شسته شد.

هر گاه هینوسز واقعاً قوه نافذۀ باشد که بر ضمیر های ضعیف کنترول کند پس برای هینوئست ناخوانی ابداً ممکن نخواهد بود که پر و فیسور کالج را هینوئست بکند. اگر چه مسئله فی الجمله کامل گردیده مگر هنوز هم دلائل کافی ندارد. سپس مسئله عزم قوی قابل ملاحظه است. در هر وقت گفته میشود که هینوئست متین العزم هر شخص ضعیف العزم را هینوئست تائز کرده میتواند درست است که بعضی از هینوئست ها این نظریه را قبول کرده اند مگر ما اشخاص که نظریات علمای روحیات عصری را برای حل این مسئله مطالعه نموده ایم می بینیم که نظریه «سکوپین هاور» درست است که گفته «انسان بهر چیز عزم کند انجام میدهد اما علت چیزی که بخواهد شده نمی تواند».

عزم متین سحر است ما این چیز را از کلمات *الكوین هاور* یا آرنست هیکل آموختیم اما کثر ما قبول نکرده بالاخر *بعضی* فهم هائی «فریود» و «وات سن» نسلی یافتیم ولی کافست که بر غلط خود اعتراف کرده و بگوئیم که هینوسز از تباطی با «عزم متین» ندارد.

برای این مقصد چند نظریه دیگر است که بدان واسطه هینوسز تاثیر میکند. و هر کدام از نقاط مختلف بوده و از روی تجربه معلوم می شود شخصیکه حقیقه هینوئست می کند عامل یا هینوئست میباشد. نمیدانم چقدر دنیارا نکان خواهم دادا که اظهار کنم که من از روی تجارب دورودراز خود دریافته ام که عامل يك نوع واسطه است و اصلاً هینوئست را خود معمول انجام میدهد.

ظاهراً چنان است که هینوتست بعضی تلقینات میکند و شعور معمول آن را اخذ کرده عمل می‌نماید و این عقیده اکثر از هینوتست ها و دیگر طبقه عوام دینده میشود .
 با این همه کشف کردم که در واقع آنچه اتفاق می‌افتد افکار مختلفه ایست که عامل تلقین می‌کند و معمول آن را اخذ کرده مانند فکر خود اظهار می‌نماید بعبارت دیگر هر چه عامل می‌گوید معمول می‌پذیرد ولی آنطور عمل نمی‌کند که بر نتیجه دلخواه تاثیر داشته باشد و در عوض آن افکار را پذیرفته مثل افکار خود ارائه میکند و قتیکه چنین کرد گویا هینوسز تاثیر کرده .

بلی ، مراد از تحریر این چند صفحه ایست که نتیجه اخیر هینوسز ارائه تلقینات عامل است در معمول . هینوتست آنچه بمعمول تلقین می‌نماید ، معمول فکر خود میداند و چیزیکه مهم و قابل یادداشت می‌باشد همانا غیر مستقیم بودن عمل است نه مستقیم بودن آن .

همه چیز هائیکه در بالا گفته شد برای تسکین اشخاصی که به هینوفوبیا (ترس از هینوزم) یا امثال این امراض گرفتارند کافی است و ابداً در هینوسز خطری متصور نیست اگر عمل غیر مستقیم نمی‌بود بایستی چنین میشد که چون عامل معمول را زبر تاثیر کشیدن میخواست فوراً اوز بر نفوذ آمده مشکلاتی تولید نمی‌کرد آنوقت هینوسز نفوذ ضمیر قوی بر ضعیف و عمل مستقیم می‌شد .

هینوسز بر اساسی (ارائه تلقینات مثل افکار خود) باطر یقه های تفکر معمولی که ما اکثراً تفکر کرده و باز روی آن عمل می‌کنیم اختلاف ندارد . درست است که در هینوسز ما آن افکار را قبول کرده و بدان عمل می‌کنیم . ولی در طریقه که بعد از عامل گفته شد بهر حال این چیز بایک قسم تفکر برابر است . هر روز در حیات

خود (بطور غیر مشخص) در تلقیناتی که دیگران به‌امی کنند عمل می‌کنیم. این تلقینات به‌توسط رادیو، اخبارها و ازین قبیل وسائط میرسد.



بالاخره هینوسز در طریقی که من گفتم تأثیر می‌کند و چیزی که میخواهم بیاد شما بماند کوشش هینوست است که اشتراک فکر معمول را پیدا کند. او نمی‌خواهد که معمول فکر قوتناک «عزم متین» را از دماغ خارج کند. او نمی‌خواهد که معمول مانند غلام مطیع از گردد؛ و فقط چیزیکه میخواهد همانا قبول بعض تلقیناتی است که بوی می‌کند. معمول وقتیکه آن تلقینات را قبول کرد؛ مثل تفکرات خود ارائه می‌نماید و بالاخره اگر خوبتر ببینیم هینوسز کم و بیش از ارائه تلقینات بصورت تفکرات تفاوت نمی‌کند. نباید خیال کرد که ارائه تلقینات بصورت تفکرات جای تفکرات مختلفه را می‌گیرد هینوست در تلقینات خود بر ضمیر معمول - دسپلن می‌هد و همین دسپلن است که ارائه تلقینات بصورت تفکرات را قوی و مثبت می‌سازد.

پرتال جامع علوم انسانی

